سلام مرا به پسر هنرمندتان برسانید ۷۹

برلن ۴ اوریل ۱۹۸۳

تشکرم که با تبریک عید یادی از من کردید.

ژاله خانم عزیز عید ما گذشت، امیدوارم سال ۱۳۶۲ برای کشور جنگ زده ما صلح و رفاه و آزادی همراه در بر داشته باشد، باز دیگر همه بتوانیم همدیگر را در وطنمان ببینیم. دلم میخواست کمی از وضع شما باخبر باشم. چه میکنید، در کدام شهری میباشید و یا به خانه تان برمیگردید؟ از آقای ایرج چه خبر دارید؟

سرنوشت همه ما با هم بستگی دارد، از روزیکه [illegible] همه جا در وشتیران، و در شهر «اگر شرار قلم» را بارها دوری کردم و دیگر از بعضی شعرهایش را خوانده ام. کاش مقدمه نداشت.

و از خودم میپرسم: در جهان اگر ستمگری ... هست، رژیم ایران ... هم هست؟ آیا رژیم حضرات در راه عدل و داد بود؟ درس یک نکته. منظورم «آیا» همراه ادوات استفهام در ما یکی

پاینده، اگر [illegible] ام ایران
کشته، صلح [illegible]
کشته، ص ۱۷۹
«چه میکنی آیا؟»
نه [illegible] قاطر زاده
قربان ۷

در یک شعر با این
زیبائی: کوچه فلان کوچه
.... کلم و شیرین هم
قشنگ نیست
خواهید گفت:
عید ملی قطع شده
[illegible] مرده!!